

۷

به نام خداوند بخشنده



خرما



خرما، بر شاخه‌ی درخت می‌روید. خوشه‌ی خرما، بر شاخه‌ی درخت زیباست. خوزستان، پر از درخت خرماست. خرما، تازه، خوب و شیرین است. به درخت خرما، نخل می‌گویند. ماست و خیار



دیشب، شام ساده‌ای داشتیم. شام را بابا درست کرده بود. او خیار را خرد کرد و در ماست ریخت. رویش کمی نمک ریخت. یخ نیز انداخت. آن را بر سر سفره آورد و گفت: «بفرمایید شام!» خرید

مادرم از خرید آمده بود. او سیب و خیار خریده بود. ساک خرید را از دستش گرفتم و گفتم: «خسته نباشی مامان!» دویدم و رفتم برایش شربت خنک آوردم. تا خستگی‌اش در رود. خزان



روی درخت خانه‌ی ما، یک پرستو، خانه ساخته بود. خزان رسید. باد و باران، خانه‌ی پرستو را خراب کرد. پرستو پر کشید و رفت. خزان تمام شد. زمستان رسید. زمستان نیز به آخر رسید. یک روز دیدم پرستو برگشته است. او با خار و خاشاک، خانه‌ی تازه‌ای می‌ساخت. با شادی فریاد زدم: «پرستو جان، خانه‌ی تازه‌ات مبارک باشد!»